Ma'rifat-i Falsafi _____ **2026, Vol. 24, No. 1, 101-120**

https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0

10.22034/marefatfalsafi.2026.5003369

20.1001.1.17354545.1405.24.1.5.7

Ayatollah Mesbah Yazdi on the Ethics of Art*

Seyyed Mohammad Mohsen Mirmorshedi / Ph.D. holder of philosophy, Imam Khomeini Education and Research Institute mirmorshedi@iki.ac.ir

Received: 2025/12/06 - **Accepted:** 2026/01/28

Abstract

As one of the important branches of applied ethics, professional ethics addresses moral oughts and ought-nots in specialized domains of human life, with "the ethics of art" being considered one of its most prominent instances. The relationship between morality and art, particularly in contemporary philosophy, has been a subject of serious controversy, encompassing perspectives ranging from the complete independence of artistic value from morality to moderate moralism. Employing a descriptive-analytical approach based on library sources, this research, while elucidating prominent contemporary views such as those of George Dickie and Noël Carroll, investigates the relationship between morality and art as per the foundations of Islamic philosophy and, specifically, the thought of Ayatollah Mesbah Yazdi -a domain that has hitherto been rarely addressed in a coherent and systematic manner.

The research findings indicate that, from the perspective of Ayatollah Mesbah Yazdi, morality encompasses all voluntary human actions, including the artistic act; thus, art is not only dependent on morality but stands in a deep and reciprocal relationship with it. Within this framework, the moral value of art is the outcome of the interaction among three elements: the artist, the artwork (comprising form and content), and the audience, with the ultimate criterion of evaluation being the artwork's relation to human true perfection based on religious teachings. Accordingly, the desirable art is one that, both in terms of the artist's intention and agency, and in terms of form and content, moves toward human moral and spiritual transcendence. Finally, the article elucidates the moral principles governing the artistic act and the moral duties of the artist based on the thought of Ayatollah Mesbah Yazdi, demonstrating that in his view, the ultimate goal of art and the ultimate goal of morality converge in human true perfection and divine proximity (*taqarrub*).

Keywords: ethics of art, philosophy of art, morality, art, Ayatollah Mesbah Yazdi, artist, moral principles.

* This article was presented at the International Conference on Islamic Humanities: Commemorating Allameh Mohammad Taghi Mesbah Yazdi.

معرفت فلسفی ـــــــــــــــــــــــــــــــسال بیست و چهارم، شماره اول، پیاپی ۹۳، پاییز ۱۴۰۵، ص ۱۰۱ـ۱۲۰

https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0

doi 10.22034/marefatfalsafi.2026.5003369

dor 20.1001.1.17354545.1405.24.1.5.7

نوع مقاله: پژوهشی

اخلاق هنر در اندیشهٔ آیت‌الله مصباح یزدی*

سیدمحمدمحسن میرمرشدی / دکترای فلسفه مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ره mirmorshedi@iki.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ – **پذیرش:** ۱۴۰۴/۱۱/۰۸

چکیده

اخلاق حرفه‌ای به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم اخلاق کاربردی، به بررسی بایدها و نبایدهای اخلاقی در حوزه‌های تخصصی زندگی انسان می‌پردازد و «اخلاق هنر» یکی از مهم‌ترین مصادیق آن به‌شمار می‌آید. مسئلهٔ نسبت اخلاق و هنر، به‌ویژه در فلسفهٔ معاصر، محل مناقشه جدی بوده است؛ به‌گونه‌ای‌که دیدگاه‌هایی از استقلال کامل ارزش هنری از اخلاق تا اخلاق‌گرایی معتدل را دربر می‌گیرد. این پژوهش با رویکردی توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی‌بر منابع کتابخانه‌ای، ضمن تبیین دیدگاه‌های شاخص معاصر همچون جرج دیکی و نوئل کرول، به بررسی نسبت اخلاق و هنر بر اساس مبانی فلسفهٔ اسلامی و به‌طور خاص اندیشهٔ آیت‌الله مصباح یزدی می‌پردازد؛ حوزه‌ای که تاکنون کمتر به‌صورت منسجم و نظام‌مند بدان پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از منظر آیت‌الله مصباح یزدی، اخلاق تمامی افعال اختیاری انسان ازجمله فعل هنری را دربر می‌گیرد و هنر نه‌تنها از اخلاق مستقل نیست، بلکه در پیوندی عمیق و دوسویه با آن قرار دارد. در این چارچوب، ارزش اخلاقی هنر حاصل تعامل سه عنصر هنرمند، اثر هنری (مشتمل بر قالب و محتوا) و مخاطب است و معیار نهایی ارزش‌گذاری، نسبت اثر هنری با کمال حقیقی انسان بر اساس آموزه‌های دینی است. بر این اساس، هنرِ مطلوب هنری است که هم از حیث نیت و فاعلیت هنرمند و هم از حیث قالب و محتوا، در جهت تعالی اخلاقی و معنوی انسان حرکت کند. مقاله در پایان، اصول اخلاقی حاکم بر فعل هنری و وظایف اخلاقی هنرمند را بر مبنای اندیشهٔ آیت‌الله مصباح یزدی تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که در این نگاه، غایت هنر و غایت اخلاق در کمال حقیقی انسان و تقرب الهی به وحدت می‌رسند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق هنر، فلسفهٔ هنر، اخلاق، هنر، آیت‌الله مصباح یزدی، هنرمند، اصول اخلاقی.

* این مقاله در همایش بین‌المللی «علوم اسلامی انسانی؛ بزرگداشت علامه محمدتقی مصباح یزدی» ارائه شده است.

مقدمه

مباحث اخلاقی با تمام شئون زندگی انسان مرتبط هستند. یکی از عرصه‌های مهم زندگی انسانی حرفه و کسب و کار است و برای هر حرفه‌ای می‌توان بایدها و نبایدهای اخلاقی در نظر گرفت. اصطلاحاً به چنین دانشی «اخلاق حرفه‌ای» می‌گویند. بنا بر تعاریف معمول، «اخلاق حرفه‌ای» (Professional ethics) دانشی از اخلاق است که به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن می‌پردازد یا اخلاق حرفه‌ای عبارت است از مجموعه‌ای از قوانین که در وهله اول از ماهیت حرفه و شغل به دست می‌آید (قراملکی، ۱۳۸۷، ص۲۵۱). یکی از شاخه‌های اخلاق حرفه‌ای، اخلاق هنر است که به بررسی قوانین و ضوابط اخلاقی حاکم بر فعل هنرمند در ایجاد اثر هنری می‌پردازد. اگرچه بحث از رابطهٔ اخلاق و هنر از دیرهنگام در بین متفکران غربی مطرح بوده است و اندیشمندان متعدد غربی در این‌باره نظرات مختلفی را ابراز کرده‌اند، اما در قرن‌های اخیر برخی رابطهٔ بین اخلاق و هنر را به‌طور کامل انکار کرده‌اند (Wilde, Oscar,1992, p.3; Bell, 1914, p.46). در تفکر اسلامی نیز به این مقوله به‌صورت پراکنده پرداخته شده است. آیت‌الله مصباح یزدی از معدود متفکران اسلامی است که در این زمینه دیدگاه‌های روشنی دارند؛ اگرچه برخی مباحث در آثار ایشان به صراحت منعکس شده و برخی دیگر از مبانی ایشان قابل استنتاج است. درهرصورت ایشان بر نقش پررنگ هنر و اخلاق تأکید فراوان دارند، تا آنجا که می‌فرمایند: «هم بهترین خدمات به انسانیت انسان از راه هنر حاصل می‌شود و هم بدترین آسیب‌ها به انسانیت از همین هنر می‌تواند به انسان برسد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲/۱/۲۰). آیت‌الله مصباح یزدی اخلاق را شامل همه کارهای اختیاری و صفات اکتسابی انسان می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲/۱/۲۰). بر این اساس تمامی کارها و حرفه‌ها در ذیل اخلاق قرار می‌گیرند و حتی می‌توان برای هر صنف یا شغل از آن جهت که مرتبط با رفتار اختیاری است، اخلاقی را در نظر گرفت. از این نظر هر فعل اختیاری، اعم از حرفه‌ای یا غیر آن می‌تواند در رشد و سعادت انسان تأثیر داشته باشد. این اثر از روش توصیف به همراه تحلیل از منابع کتابخانه‌ای و برخی از سخنرانی‌های ایشان استفاده کرده است. در باب پیشینهٔ این موضوع نیز اگرچه آثاری به نحو عام نوشته شده است، اما در هیچ کدام از این آثار به طور جدی به رابطهٔ اخلاق و هنر بر مبنای فلسفهٔ صدرایی و به‌خصوص بر اساس دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی پرداخته نشده است. بر این اساس این نوشتار تلاش دارد تا به این موضوع بپردازد.

۱. نسبت اخلاق و هنر در فلسفهٔ معاصر

در تاریخ فلسفهٔ هنر، پرسش از اینکه آیا هنر باید تابع معیارهای اخلاقی باشد یا خیر، همواره محل مناقشه بوده است. در دوران معاصر، این مناقشه به‌جای صورت‌بندی‌های هنجاریِ مطلق، در قالب نظریه‌های تحلیلی دقیق‌تری پیگیری شده است. در این میان، دیدگاه جرج دیکی و نوئل کرول دو موضع شاخص و درعین‌حال رقیب را نمایندگی می‌کنند.

۲. دیدگاه جرج دیکی: استقلال ارزش هنری از اخلاق

جرج دیکی در کتاب *هنر و ارزش* با تکیه بر نظریهٔ نهادی هنر، میان انواع مختلف ارزش، تمایز قائل می‌شود:

۱) ارزش هنری؛

۲) ارزش زیبایی‌شناختی؛

۳) ارزش اخلاقی؛

۴) ارزش اجتماعی اقتصادی و سیاسی (Dickie, 2001, p.74).

از نظر او، خلط این سطوح ارزشی منجر به داوری‌های نادرست دربارهٔ هنر می‌شود. دیکی تصریح می‌کند که هیچ رابطهٔ ضروری و ذاتی‌ای میان ارزش اخلاقی و ارزش هنری وجود ندارد؛ بدین معنا که یک اثر می‌تواند اخلاقاً ناپسند، اما از نظر هنری ارزشمند باشد، یا برعکس. بااین‌حال، دیکی منکر هرگونه ارتباط میان اخلاق و هنر نیست. او می‌پذیرد که ملاحظات اخلاقی به‌صورت غیرمستقیم و تنها از رهگذر تأثیرگذاری بر ویژگی‌های زیبایی‌شناختی اثر (مانند انسجام روایی، باورپذیری یا عمق معنایی) می‌توانند در ارزیابی هنری دخیل شوند. در چنین مواردی، آنچه ارزش هنری را کاهش می‌دهد، نه «غیراخلاقی بودن» اثر، بلکه نقص در عملکرد زیبایی‌شناختی آن است (Dickie, 2001, p.94–101).

۳. دیدگاه نوئل کرول: اخلاق‌گرایی معتدل

نوئل کرول در آثاری چون «فراتر از زیبایی‌شناسی» (Beyond Aesthetics) و مقالهٔ معروف «اخلاق‌گرایی میانه‌رو» (Moderate Moralism) موضع متفاوتی اتخاذ می‌کند. او با رد اخلاق‌گرایی افراطی، استدلال می‌کند که در برخی آثار هنری، داوری اخلاقی جزء لاینفک تجربهٔ زیبایی‌شناختی است. به باور کرول، بسیاری از آثار روایی ـ به‌ویژه در سینما و ادبیات ـ مخاطب را به واکنش‌های عاطفی و اخلاقی خاصی فرا می‌خوانند. اگر اثر در هدایت این واکنش‌ها ناکام بماند یا مخاطب را به داوری اخلاقی نادرست سوق دهد، دچار نقص هنری شده است (Carroll, 2001). در این چارچوب، کرول معتقد است که «نقص اخلاقی» در برخی موارد می‌تواند مستقیماً به «نقص هنری» بینجامد؛ زیرا مانع تحقق هدف زیبایی‌شناختی اثر می‌شود. ازاین‌رو اخلاق نه به‌عنوان معیاری بیرونی، بلکه به‌عنوان عنصری درونی و کارکردی در ساختار اثر هنری عمل می‌کند (Carroll, 2001, p.246–252).

تفاوت بنیادین دیدگاه دیکی و کرول در نحوهٔ صورت‌بندی نقش اخلاق، نهفته است. دیکی بر تفکیک سفت‌وسخت قلمروها تأکید دارد و اخلاق را معیاری بیرونی می‌داند که تنها در صورت تأثیرگذاری بر ویژگی‌های زیبایی‌شناختی، اهمیت می‌یابد. در مقابل، کرول نشان می‌دهد که در برخی گونه‌های هنری، به‌ویژه آثار روایی، فهم اثر بدون داوری اخلاقی ممکن نیست.

برای تبیین نسبت اخلاق و هنر، تا اینجا دیدگاه دیدگاه دو اندیشمند را در قالب دو رویکرد متمایز صورت‌بندی

کردیم: جرج دیکی نماینده رویکرد استقلال ارزش هنری از ارزش اخلاقی است؛ در این دیدگاه، ارزش هنری و ارزش اخلاقی دو ساحت متمایزند و میان آن‌ها رابطه‌ای ضروری و ذاتی برقرار نیست. در مقابل، نوئل کرول نماینده رویکرد اخلاق‌گرایی معتدل است که بر اساس آن، ملاحظات اخلاقی در برخی آثار، به‌ویژه آثار روایی، می‌توانند در تجربه و ارزیابی زیبایی‌شناختی اثر نقش داشته باشند و نقص اخلاقی در شرایطی به نقص هنری منجر شود.

اما در سوی دیگر، آیت‌الله مصباح یزدی نماینده رویکردی غایت‌محور و اخلاق‌محور دینی است که در آن هنر و اخلاق نه دو قلمرو مستقل، بلکه دو عرصه مرتبط با غایت مشترک کمال حقیقی انسان و تقرب الهی‌اند؛ ازاین‌رو، ارزش هنر را نمی‌توان مستقل از نسبت آن با کمال انسان و سعادت حقیقی او ارزیابی کرد. بنابراین، انتخاب این سه دیدگاه امکان مقایسه سه سطح متفاوت از نسبت اخلاق و هنر، یعنی استقلال ارزش هنری، تأثیر مشروط اخلاق بر ارزش هنری، و درهم‌تنیدگی غایت هنر و اخلاق را فراهم می‌سازد.

۴. مؤلفه‌های مؤثر در ارزش اخلاقی هنر از نگاه آیت‌الله مصباح یزدی

اما رابطهٔ اخلاق با فعل و حرفهٔ هنر از نگاه آیت‌الله مصباح یزدی را چگونه می‌توان ترسیم کرد؟ برای پاسخ به این سؤال باید بدانیم که یک اثر هنری در تعامل و به هم آمیختن سه عنصر اصلی، یعنی هنرمند، اثر هنری و مخاطب به بار می‌نشیند. اولین این عناصر، هنرمند است که به‌عنوان فاعل در اثر هنری مهم‌ترین عامل به‌حساب می‌آید. عنصر دیگر، اثر هنری است که خود تشکیل‌یافته از محتوا و قالب هنری است. محتوا آن پیامی است که هنرمند به دنبال انتقال آن است و عنصر دیگر، قالبی است که قرار است این محتوا را به مخاطب خود برساند. از سوی دیگر، مقصد ادراک هنری و غایت هنر، ایجاد لذت در مخاطب هنر است. به همین دلیل، باید تأثیر این چند عنصر و نقش آنها را در جهت‌گیری و قوام اخلاقی یک اثر هنری بررسی کنیم.

۱ـ۴. هنرمند

اثر هنری جلوه و تجلی روح هنرمند است که به کالبد احساس درآمده است؛ پس یعنی هر آنچه در اثر هنری به عرصه ظهور می‌رسد خودآگاه یا ناخودآگاه از ضمیر و درون هنرمند سرچشمه گرفته است. به همین دلیل است که به گواه تاریخ، آثاری که برانگیزاننده معنویات و مفاهیم مقدس بوده‌اند، تنها از ذوق و قریحه هنرمندانی صادر شده‌اند که در درون خود اعتقاد و باور کامل به آن امر معنوی داشته‌اند. آیت‌الله مصباح یزدی ویژگی‌های اخلاقی هنرمند متعهد را از دو وجههٔ حسن فاعلی و حسن فعلی ارزیابی می‌کنند. ایشان حسن فعلی هنرمند را به این می‌دانند که فعلش در جهت کمال نفس باشد. به بیان دیگر، چنین هنرمندی چارچوب شریعت را در نظر می‌گیرد و در خلق آثارش، رعایت بایسته‌ها و شایسته‌های شرع و اخلاق دینی را به دقت، وجههٔ همت خویش می‌سازد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۰). کار این هنرمند، همچنین می‌باید حسن فاعلی داشته باشد؛ به‌این‌معنا که نیتش در کار، رضای خدا و خدمت به بندگان باشد، نه صرفاً کسب درآمد یا شهرت و موقعیت اجتماعی یا لذت شخصی (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۰).

۲ـ۴. اثر هنری

هر پدیده هنری مفهومی را در قالبی زیبا به مخاطب عرضه می‌کند و هر کدام از محتوا و قالب می‌توانند تأثیرهای متفاوتی را بر مخاطب داشته باشند. به‌گونه‌ای‌که انسان‌ها می‌توانند این دو جنبه را به‌تنهایی بررسی کنند و برای هر کدام درجه‌ای از ارزشمندی را در نظر بگیرند. بنابراین ارزش یک پدیدهٔ هنری برایندی از ارزش‌های قالب و محتوای آن اثر هنری است. آیت‌الله مصباح یزدی معتقد است که ارزش یک اثر هنری فارغ از ارزش زیبایی‌شناختی صورت و فرم آن، اگر باعث ایجاد فساد و گمراهی اخلاقی در مخاطب شود، بی‌شک دارای ارزش منفی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶). در این صورت هم قالب و هم محتوا در ارزش اخلاقی اثر هنری تأثیر دارند.

۳ـ۴. قالب هنر

اگرچه ارزش‌گذاری قالب یک اثر هنری که در حیطهٔ ماده و عالم محسوسات اتفاق می‌افتد، با توجه به عناصری مانند تناسب، تقارن، تعادل و نظم صورت می‌گیرد، اما معیار ارزش‌گذاری همین عناصر و لذت حاصل از آنها، متناسب با مراتب وجودی انسانی تنظیم می‌شود، یعنی در اینجا ما یک ارزش‌گذاری برای خود قالب داریم که در مقایسه با عناصری که تشدیدکننده زیبایی محسوس هستند، مشخص می‌شود. اما در نگاه کلی‌تر، وقتی این قالب با مرتبهٔ متکامل انسانی سنجش می‌شود، ارزش انسانی آن مشخص می‌شود. درنتیجه حتی اگر ارزش هنری قالب یک اثر هنری در مقایسه با مرتبهٔ حسی یا حیوانی انسان بالا به نظر برسد، در نهایت آنچه ارزش هنری اصلی آن قالب را مشخص می‌کند مقایسه با مرتبهٔ متکامله انسانی است، نه مرتبه حسی حیوانی (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶). برای مثال شاید یک تابلو نقاشی با تناسبات و ترکیب‌های عالی، تصویری از یک صحنهٔ گناه‌آلود را نمایش دهد، به‌گونه‌ای‌که احساسات مخاطب را به خوبی تحریک کرده و اعجاب و لذت فراوانی را ایجاد کند، اما از آن جهت که این تابلو انسان را به سمت رذائل تشویق می‌کند و انسان را از مرتبهٔ انسانی خود تنزل می دهد، دچار ضعف و کاستی باشد.

۴ـ۴. محتوای هنر

در ارزش‌گذاری محتوایی نیز پیام یا موضوعی که قرار است در قالب هنری ریخته شود با ساحت‌های وجود انسان سنجیده می‌شود و ملاک در ارزش‌گذاری مراتب متکامل انسانی خواهد بود. بدین‌ترتیب ارزش نهایی اثر هنری، مجموع و برایند ارزش قالب و محتوا است. طبیعی است که ارزش حاصله ممکن است از نظر فرم و محتوا مثبت یا منفی، یا تلفیقی از مثبت و منفی باشد؛ یعنی مثلاً در فرم مثبت و در محتوا منفی باشد، یا به‌عکس که باعث به وجود آمدن چهار حالت می‌شود. این چهار حالت عبارتند از:

۱) حالتی که قالب و محتوا هر دو مطلوب باشند؛

۲) قالب، نامطلوب، و محتوا، مطلوب باشد؛

۳) قالب، مطلوب، و محتوا، نادرست باشد؛

۴) آخرین حالت اینکه قالب و محتوا هر دو نادرست باشند.

آیت‌الله مصباح یزدی از میان چهار حالت ممکن، تنها یک حالت را مطلوب و مجاز می‌شمارند. حالتی که هم قالب و هم محتوا در بالاترین مرتبه، نسبت به کمال انسانی باشند. مثلاً ایشان معتقدند که ممکن است صورت یا قالبی، فی‌حد نفسه مطلوب باشد، اما به محتوای نادرست تعلق گیـرد؛ مانند اینکه کسی با موسیقی و الحان مخصوص قرآن، که مورد تأیید دین است، مطالب نادرست و ناشایستی را بیان کند، یا به‌عکس، محتوایی باارزش، مانند آیات نورانی قرآن را به نحو مستهجن بخواند. از نگاه ایشان تنها حالتی که از هر دو وجهه قالب و محتوا ارزش مثبت دارد مورد تأیید دین است (مصباح یزدی،۱۳۸۹/۱۲/۱۰). با توجه به اینکه ایشان بهترین مرجع ارزش‌گذاری را آموزه‌های دینی برگرفته از کتاب و سنت می‌دانند، در باب ارزش‌گذاری انواع قالب و محتوا در هنر نیز معتقدند که با نظر به اینکه در زیبایی‌های عقلی و نیز زیبایی‌های ماورای آن، جایی برای تصور صورت وجود ندارد، سنجهٔ ارزش‌شناختی دین، تنها دربارهٔ محتوا معنا می‌یابد؛ ولی دربارهٔ هنرهای حسی و خیالی، هنرمند متعهد می‌کوشد تا افزون بر رعایت نظر دین درباره محتوایی که در این ساحت‌ها عرضه می‌کند، از قالب‌ها و صورت‌هایی بهره گیرد که دین آنها را تأیید می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶). البته ازآنجاکه در هر صورت، هدف هنرمند انتقال محتوا از گذرگاه قالب است، آنچه اصل محسوب می‌شود، محتوا است و قالب، ابزاری در خدمت انتقال محتوا به مخاطب است. پس محتوا در همه حالات مقام والاتری دارد، اگرچه قالب ناسالم و نامناسب می‌تواند محتوا را از ارزش بیاندازد و اثرگذاری را به حداقل برساند.

۵ـ۴. مخاطب هنر

از منظر آیت‌الله مصباح یزدی، لذت زیبایی‌شناختی لزوماً بر اثر ادراک موضوع ملائم با نفس به دست نمی‌آید، بلکه توهم ملائمت، برای ایجاد لذت کافی است (مصباح یزدی، ۱۳۶۳، مرحلهٔ ششم، فصل۱۵). این مطلب حاکی از پررنگ بودن نقش مخاطب و نوع نگاه او در ادراک اثر هنری است. به این طریق بر اساس نگاه ایشان، ریشه اختلافات در داوری آثار هنری از سویی به مرتبهٔ وجود مخاطبان بازگشت دارد، یعنی ممکن است چیزی برای مدرِکی زیبا باشد و برای مدرک دیگر نه؛ زیرا هر کدام از آنها در مرتبهٔ خاصی از وجود قرار داشته و تـوان درک کمال مرتبه متناسب با وجود خود را دارا باشند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶). از سوی دیگر، ازآنجاکه ادراک زیبایی اثر هنری در ضمیر و ذهن مخاطب صورت می‌گیرد، نوع نگاه و قدرت دریافت مخاطب در میزان و نوع این تجلی بی‌تأثیر نیست. البته دیدگاه ایشان با آنچه که برخی از اندیشمندان مانند هیوم در مورد زیبایی و هنر معتقدند و هنر را کاملاً مخاطب محور دانسته و قائل به ذهن‌گرایی در ارزش هنری می‌شوند، کاملاً متفاوت است (هیوم، ۱۳۸۸، ص۱۳). اگرچه که بر اساس مبانی حکمت صدرایی این نوع نگاه که منجر به ذهن‌گرایی افراطی می‌شود مردود است، اما می‌توان نسبیتی هستی‌شناختی و مخاطب محور را در مقام دریافت اثر هنری لحاظ کرد که کاملاً به درون‌مایه هر مخاطب

بازگشت دارد، یعنی علی‌رغم اهمیت هنرمند، محتوا و قالب اثر هنری، این شاکله مخاطب است که می‌تواند لذت بردن یا لذت نبردن از یک اثر هنری را تعیین کند.

۵. نقش زیبایی و هنر در تربیت و تزکیهٔ انسان

آیت‌الله مصباح یزدی در باب نقش هنر و زیبایی در تزکیه انسان معتقدند که مجذوب جمال شدن و کشش فرد به سمت زیبایی گاهی انسان را کمک می‌کند که از مرتبهٔ پایین‌تر به مرتبهٔ بالاتر صعود کند، مثلاً کسی که با درک زیبایی‌های عقلانی از مرتبهٔ حیوانی عبور کرده و لذت زیبایی‌شناختی عقلانی را ادراک می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶). به‌این‌ترتیب ایشان، زیبایی‌های محسوس را در شرایطی باعث ارتقای روحی انسان می‌دانند که البته به‌حسب اشخاص و احوال آنها متفاوت است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶). این جذب و انجذاب در برابر زیبایی و کمال، کارکرد شگرفی در تربیت و تزکیهٔ انسان دارد تا آنجا که می‌تواند انسان را تا منزلگاه کمال مطلق سیر بدهد. ازآنجاکه ایشان زیبایی‌خواهی را نوعی کمال‌طلبی می‌دانند و کمال‌طلبی را باعث رشد و تزکیه انسان معرفی می‌کنند، درنتیجه زیباخواهی را عامل تزکیهٔ انسان می‌شمارند؛ زیرا کمال‌طلبی فطری انسان باعث احساس خضوع در مقابل کمال مرتبهٔ بالاتر و انگیزه‌ای برای حرکت به سمت مراتب بالاتر می‌شود(مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶).

به این شکل گرایش فطری انسان به کمال و زیبایی، انسان را به سمت بندگی و اطاعت خداوند هدایت می‌کند و عاملی برای تزکیه و تقرب به خداوند خواهد شد. در تعابیر فوق پیوند غایت هنر و غایت اخلاق به‌خوبی مشخص و واضح است؛ زیرا غایت هنر ایجاد بیشترین لذت از درک زیبایی حقیقی است و غایت اخلاق به دست آوردن بیشترین کمال حقیقی است؛ یعنی مقصد هر دو آنها رسیدن به بالاترین مرتبهٔ زیبایی حقیقی و بالاترین مرتبهٔ کمال حقیقی است که هر دو آنها تنها یک مصداق واحد، یعنی خداوند دارد.

۶. تعاملات اخلاق، هنر و هنرمند

همان‌گونه که اشاره شد طبق دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی اخلاق، تمام گستره افعال اختیاری انسان را شامل می‌شود. از سوی دیگر، ایشان معتقد به یکپارچگی همه عرصه‌های انسانی بوده و به‌این‌ترتیب اخلاق و هنر را کاملاً با هم مرتبط دانسته و در تعامل بسیار قوی معرفی می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص۲۵). این دیدگاه دقیقاً در نقطه مقابل کسانی است که هنر را آزاد از هر قید معرفی می‌کنند و شعار هنر برای هنر را ترویج می‌کنند (اتینگهاوزن و دیگران، ۱۳۷۴، ص۴۹). اما رابطهٔ اخلاق و هنر به چه شکل است و چگونه باهم تعامل می‌کنند؟ هنر چگونه به اخلاق کمک می‌کند و اخلاق چگونه به رشد و تکامل هنر می‌انجامد؟

۷. اخلاق راهنما و راهبر هنر و هنرمند

اخلاق، راه زندگی درست و خداپسندانه و شیوه صحیح حرکت به‌سوی کمال نهایی و ارتباط با خدای متعال را تعلیم

می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص۹۵). در اخلاق اسلامی ارزش اخلاقی مثبت، به کار یا چیزی تعلق می‌گیرد که به کمال حقیقی انسان بینجامد. همچنین، علم به کمال حقیقی، به دلیل محدودیت‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی انسان از دسترس عقل و دانش او خارج است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص۱۰)، یعنی تنها دین است که می‌تواند منبع حقیقی برای اخلاق باشد. از سوی دیگر، ایشان معتقد است که رسالت هنر بیان محتوا در قالب زیبا و لذت‌آفرین برای به کمال رساندن حقیقی انسان است. پس هنر، هم در نوع بیان و هم در انتخاب محتوا و قالب خود برای رشد و تعالی انسانی، به نظام و منبعی استوار نیاز دارد تا مسیر کمال را برای او مشخص کند.

۸. اخلاق، تنظیم‌کننده محتوای هنر

آیت‌الله مصباح یزدی معتقد است موضوع مورد ارزیابی زیبایی‌شناختی هرچه متکامل‌تر باشد، زیباتر تلقی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶)، یعنی ایشان رابطهٔ بین تکامل حقیقی و تکامل زیبایی‌شناختی را مستقیم می‌دانند و ازآنجاکه ایشان اخلاق را راه رسیدن به کمال حقیقی می‌دانند، پس اخلاق می‌تواند موضوعات و مسائل و محتوای مورد نیاز هنرمند را تنظیم‌گری کند تا به تعالی محتوایی هنر کمک کند. به‌گونه‌ای‌که محتوای هنر با کمال اخلاقی انسان هم جهت گردد و چارچوب اخلاق، مسیر محتوای هنری را به سمت کمال اخلاقی سوق دهد. هنری که از مدار اخلاق خارج شود، محتوایی بیشتر از نمایش‌دهنده غرایز حیوانی را برای مخاطب به ارمغان نمی‌آورد، اما هنری که اخلاق را مشی خویش قرار می‌دهد کمال زیبایی‌شناختی را با کمال انسان‌شناختی ترکیب کرده و منجر به تعالی حقیقی انسان می‌شود.

۹. هنر، ابزار گسترش اخلاق

تاریخ گواه این است که در هنر قدرتی است که می‌تواند در فکر و قلب مخاطب به‌گونه‌ای تأثیر بگذارد که این تأثیر تا سال‌ها و قرن‌ها پررنگ و بادوام باشد، به‌گونه‌ای‌که هر زمان با آن روبه‌رو شویم تازه و شورانگیز باشد. آیت‌الله مصباح یزدی در همین رابطه می‌گوید: «میل نفس به سوی شیء زیبا به خاطر مصلحت و منفعتی است که برای نفس دارد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶). در ادامه ایشان میل به زیبایی را انگیزه قوی در جهت‌گیری‌های انسان معرفی می‌کنند و معتقدند که اگر اشیاء جلوه زیبایی نداشتند، قلب انسان به سوی آنها متمایل نمی‌شد و از آنها استفاده نمی‌کرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶). شاهد این مطلب دیوان اشعار شعرا و عرفای نامداری است که بهترین و والاترین مطالب اخلاقی و تربیتی را در زبان داستان و شعر به مردم عرضه کرده‌اند و هنوز بعد از گذشت سالیان زیاد شیرین و دلپذیر است. همچنین ایشان به نقش هنر در تربیت کودکان و نوجوانان اشاره می‌کنند، معتقدند که می‌توان از هنر برای آموزش بسیاری از آموزه‌های دینی، آداب زندگی، حتی تقویت عواطف و احساسات خانوادگی و مسئولیت‌پذیری استفاده کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۷/۱۲/۲۰). همچنین ایشان هنر را یکی از ابزارهای مهم برای هدایت انسان که همان هدف اخلاق است، می‌شمارند. معتقدند آنجا که اخلاق، حقایق کمالی انسان را ترسیم می‌کند ابزاری بهتر از هنر برای بیان این حقایق وجود ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸/۵/۲۱).

۱۰. اصول اخلاقی حاکم بر فعل هنری

اصول اخلاقی هنر در نگاه اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم، سنت پیامبر اسلامﷺ و تعالیم ائمهٔ معصومان‌ﷺ بنا شده است. در این دیدگاه، هنر ابزاری برای ارتقاء روح و معنویت انسان و همچنین گسترش ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه است. ازجمله مهم‌ترین اصول اخلاقی در هنر اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ـ۱۰. مسئولیت‌پذیری در ایجاد اثر هنری

منشأ مسئولیت، حاصل سه عنصر قدرت، آگاهی و اختیار است؛ یعنی در هر موجودی این سه عنصر یافت شود، مسئولیت نیز به دنبال آن خواهد آمد. آیت‌الله مصباح یزدی در این رابطه بر این باور است که یک انسان تنها در صورتی اخلاقاً مسئول کار یا واقعه‌ای دانسته می‌شود که اولاً، قدرت انجام آن را داشته باشد. ثانیاً آگاهانه آن را انجام دهد و ثالثاً، آزادانه و از روی اختیار اقدام به آن کار کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴الف، ص۱۵۸ـ۱۶۳).

تولید اثر هنری نیز که یکی از افعال اختیاری انسان است از این قاعده مبرا نیست. همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ كُلُّ أُولئِکَ كانَ عَنْهُ مَسؤولاً» (اسراء: ۳۶)؛ گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد. خداوند در ازای این ویژگی‌هایی که به انسان هنرمند بخشیده است، مسئولیتی نسبت به خود فرد و جامعه از او مطالبه می‌کند. ازاین‌رو هنرمند باید پایبند به اصول، هنجارها و ارزش‌های دینی، مانند مسئولیت‌پذیری، هدایت‌گری، خدامحوری، اخلاق‌مداری و ارزش‌مداری باشد. به این طریق شعار «هنر برای هنر» نفی می‌شود و هنر از بی‌قیدی مبرا خواهد بود. بر اساس نگاه آیت‌الله مصباح یزدی دامنهٔ این مسئولیت‌پذیری تمام عرصه‌های زندگی را دربر می‌گیرد و محدود به یک دامنهٔ خاص نیست. ایشان معتقدند که مسئولیت اخلاقی، منحصر به افعال مستقیم انسان نیست، بلکه درباره پیامدهای غیرمستقیم و ناخواسته کارهای او نیز قابل طرح است؛ همچنین قلمرو مسئولیت، منحصر به آثار افعال آینده نیست، بلکه افعال و پیامدهای معطوف به گذشته را نیز شامل می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴الف، ص۱۵۶). بنابراین، «مسئولیت‌پذیری» در هنر، یعنی احساس هنرمند در برابر سعادت افراد و مصالح جامعه در تمام عرصه‌های ممکن، حتی نتایج غیرمستقیم فعل هنری.

۲ـ۱۰. رعایت مقدس بودن فعل هنری حقیقی

از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، اولین هنرمند را می‌توان خداوند دانست که به سرانگشت قدرت خود موجودات عالم را با الگوگیری از جمال ذاتی خود به بهترین و زیباترین صورت و سیرت خلق کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶). «الّذی أحسن کُلّ شَیء خَلَقَه» (سجده: ۷)؛ او کسی است که هر چیزی را آفریده، به نیکوترین وجه آفریده است. پس هنرمند در خلق اثر خود دنبال‌کننده فعل و عمل خداوند است. از سوی دیگر ازآنجاکه انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات مظهر صفات جمالی و جلالی خداوند است، هر فعل خیری که از او سر زند تجلی صفات الهی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص۲۷۹)، یعنی اگر انسان به‌عنوان هنرمند قدرت بر خلق اثر هنری نیز دارد این

قدرت تجلی حقیقی قدرت الهی است، با این توصیف، اگر هنرمند در مسیر حق و تکامل الهی قدم زند، خلق اثر هنری عملی صرفاً برای سرگرمی و بیهودگی یا امرارمعاش روزانه نخواهد بود، بلکه تجلی‌دهنده قدرت و امانت الهی در بین مخلوقات است.

۳ـ۱۰. رعایت آیینه‌بودگی هنر حقیقی برای کمال و زیبایی

هنرمندی که به دنبال خلق ارزش حقیقی هنری است، در طی اثر هنری خود تلاش دارد تا با به تجلی درآوردن صور یا اشکال و الحان و موسیقی‌های خیال‌انگیز، زیبایی‌ها را در ذهن و خیال مخاطب به تصویر بکشد تا در بستر آن درد فراق و دوری خود از بهشت و روضهٔ رضوان الهی را تسکین داده و به مخاطب خود نیز این دوری را گوشزد کند که دل در این سرای فانی نبندد و به خوشی‌ها و لذت‌های بی‌ثبات آن تنها به‌عنوان ابزار سفر برای رسیدن به وصال دوست بنگرد. آیت‌الله مصباح یزدی معتقدند که تأثیر و نتیجهٔ هنر امری حقیقی است و همان احساس و باور و انگیزه و حرکتی است که در روان مخاطب ایجاد می‌شود و در رویکرد او به خودش و دیگر انسان‌ها و عالم اثر می‌گذارد و می‌تواند مخاطب را به فضایی روحانی برده و زمینه را برای پیوند با مبدأ هستی آماده کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۰).

به‌عبارت‌دیگر، هنرمند با به تصویر کشیدن زیبایی‌ها تلاش دارد تا زیباآفرین حقیقی را به یاد انسان بیاورد تا عزم خود را برای هجرت از جمال به ذوالجمال جزم کند و این همان رسالت انبیاء است.

۴ـ۱۰. رعایت تناسب قالب و محتوا با اخلاق

در ابتدای امر این مطلب به ذهن می‌رسد که چیزی که هنر را اخلاقی می‌کند، تنها محتوایی است که از طریق هنر منتقل می‌شود، درحالی‌که شاید اهمیت قالب هنری کمتر از خود محتوا نباشد، به‌گونه‌ای‌که حتی قالب را می‌توان بخشی از محتوا در نظر گرفت (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶). درواقع در فرایند تحقق فعل هنری هر قالبی با محتوایی خاص تناسب دارد و مخاطب با مواجه به یک قالب، انتظار محتوای متناسب با آن را دارد. اگر محتوای اخلاقی را در قالبی متضاد با هدف اخلاق به مخاطب عرضه کنیم، مخاطب در بین یک دوگانگی غیرقابل حل و طنزی تلخ قرار می‌گیرد.

۵ـ۱۰. رعایت مراتب انسانی در ایجاد اثر هنری

بر اساس مبانی انسان‌شناختی، انسان از مراتب متعدد وجودی، یعنی حسی، خیالی و عقلی برخوردار است و هر مرتبه، ادراک مخصوص به خود را دارا است. اثر هنری در ابتدا و به صورت ظاهری با احساس و تخیل مخاطب در تعامل است و از دریچهٔ ظواهر حسی با مراتب ادراکی دیگر مخاطب که در باطن قرار دارد، ارتباط برقرار می‌کند. معانی و محتواهای اخلاقی از آن جهت که متعلق به حیطهٔ عقلانی انسان است، در سطوح بالاتر از حس و خیال، یا همان باطن دریافت می‌شوند. پس مخاطب با مواجهه با اثر هنری ابتدا از طریق حس و خیال با اثر هنری ارتباط

برقرار می‌کند و در درجهٔ بعدی با عقل خود مفاهیم عقلی و ازجمله معارف اخلاقی را درک می‌کند. به همین دلیل، رسالت هنرمند در ایجاد تناسب و ارتباط بین حس و خیال و عقل، به واسطه اثر هنری بسیار خطیر و دقیق است. اگر هنرمند نتواند این رابطه را به‌خوبی تنظیم کند، مخاطب در همان مرحله حس باقی‌مانده و نمی‌تواند از ظاهر اثر هنری به باطن آن پل زده و به معارف اخلاقی لازم دست پیدا کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۱/۲۶).

۶ـ۱۰. رعایت چارچوب احکام دینی در خلق اثر هنری

آیت‌الله مصباح یزدی هرگونه هنری را از آن جهت کـه هنر است، لزوماً باارزش و مقدس نمی‌شمارند و می‌فرمایند: «هنر دینی، ثبوتاً آن هنری است که موجب کمال حقیقی انسان شود... و اثباتاً هنری است که دین آن را تجویز می‌کند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۰). از نگاه ایشان وحی به‌عنوان منبعی الهی، مهم‌ترین مرجع برای تعیین ارزش کمالی یک اثر هنری در نسبت با انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص۱۲۹ـ۱۲۳). درنتیجه برای هنرمند مسلمان که منش و روش خود را رسیدن به کمالی در نظر گرفته است که شرع مقدس اسلام نشان می‌دهد راهی غیر از عمل به دستورات و احکام اسلامی متصور نیست و فعل هنری نیز که یکی از افعال بشری است، نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد.

۷ـ۱۰. رعایت قاعده اهم و مهم اخلاقی در تولید اثر هنری

آیت‌الله مصباح یزدی درباره اولویت‌دهی بین مادیات و معنویات در خلق اثر هنری معتقدند، چون انسانیت انسان و کمال حقیقیِ او در کمال جنبه‌های معنوی اوست، پس در تزاحمات بین جنبه‌های مادی و معنوی، اولویت با جنبه‌های معنوی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ج۳، ص۴۹). هنرمند باید در فعل هنری خود پرداختن به مسائلی که اخلاق جامعه را تضعیف کرده است یا در شرف فساد قرار داده است را در اولویت قرار دهد. همچنین کمبودها و نیازهایی که جامعه برای رسیدن به کمال اخلاقی دارد را مقدم بر نیازهای مادی یا کم‌اهمیت در نظر بگیرد. هنرمندی که از جامعهٔ خود عقب باشد کمکی به آن جامع نمی‌کند و هنرمندی که از جامعهٔ خود بسیار جلوتر حرکت کند، نمی‌تواند کسی را راهبری کند؛ چون مردم از طی طریق با او خسته خواهند شد. همچنین در بیان اهمیت قالب و محتوا، با توجه به مبانی ارزشی آیت‌الله مصباح یزدی، نمی‌توان هنر را دارای ارزش ذاتی و مستقل از غایت نهایی انسان دانست. از آنجا که در نظام ارزشی ایشان، قرب الهی کمال نهایی انسان و معیار نهایی ارزش‌گذاری است، ارزش هنر نیز به نسبت آن با این غایت وابسته خواهد بود. از این منظر، محتوای اثر هنری و غایتی که در انتقال آن دنبال می‌شود، نسبت به قالب هنری از اولویت ارزشی برخوردار است؛ بااین‌حال، قالب و ویژگی‌های صوری هنر به دلیل نقش آنها در گویا و اثرگذار ساختن پیام، واجد ارزش ابزاری‌اند و نمی‌توان آنها را بی‌اهمیت تلقی کرد.

از طرف دیگر در زیبایی‌های عقلی و زیبایی‌های ماورای آن، صورت معنا ندارد، پس معیار ارزش‌گذاری دینی تنها محتوای آنها خواهد بود. به این شکل اگر تمام گستره آثار هنری را در نظر بگیریم کفه ارزش‌گذاری محتوا

سنگین‌تر خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۰). درنتیجه در کار هنری هم باید معنویات بر مادیات مقدم شود و هم محتوا بر قالب. البته در اثر هنری اگر محتوا در قالب ضعیفی ریخته شود ارزش محتوا نیز تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. همان گونه که ایشان اثر هنری که محتوای خوبی دارد ولی از قالب خوبی برخوردار نیست را واجد ارزش چندانی نمی دانند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۰).

۸ـ۱۰. رعایت اقتضائات تربیت اخلاقی در فعل هنری

اگرچه در تربیت اخلاقی می‌توان از هنر بهره زیادی برد، اما رعایت شرایط تربیتی و اقتضائات مخاطبان حائز اهمیت است. آیت‌الله مصباح یزدی معتقدند که سطح فهم، گرایش‌ها، احساسات و عواطف انسان‌ها متفاوت است، پس روش‌های تربیتی نیز متناسب با هر مخاطب متفاوت خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۸/۳/۱۲). رعایت شرایط تربیتی تا آنجا اهمیت دارد که آیت‌الله مصباح یزدی معتقدند که اگرچه قرآن کتاب داستان نیست، اما از شیوه‌های هنری مانند داستان‌سرایی برای بیان معارف تربیتی به‌خوبی و به‌جا استفاده کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱/۹/۲۳). برای مثال اگرچه قرآن در این مقام با هدف بیان مسائل معرفتی از داستان استفاده می‌کند، اما رعایت ملاحظات اخلاقی را به خوبی نموده است. از دیگر مطالب مهم این است که در انجام فعل هنری باید مراحل و شرایط تربیت اخلاقی، به‌گونه‌ای رعایت شود که اثر هنری بتواند کسانی که در مراتب مختلف هستند را با ابزار مناسب همان مرتبه به مراتب بالاتر هدایت کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱/۹/۲۳). برای مثال اگرچه آثار هنری در ابتدای حرکت خود بیشتر ترویج‌کننده افعال و کنش‌های اخلاقی در بین افراد عادی هستند، اما در حقیقت می‌توانند به سمت شکل‌گیری ملکات اخلاقی بروند؛ چراکه وقتی رفتار تکرار شود، طبعاً ملکه نیز ایجاد می‌شود (مصباح یزدی، ۹۶/۱۰/۲۰). بنابراین تبدیل افعال به ملکات اخلاقی را می‌توان یکی از کارکردهای مهم هنر دانست.

۱۱. وظایف اخلاقی هنرمندان

بر اساس اصولی که بیان شد اگر هنرمندی بخواهد بر مدار اخلاق اسلامی عمل کرده و فعل هنری خود را در جهت به کمال رساندن حقیقی انسان در جامعه به انجام برساند، ناگزیر باید وظایفی را بر عهده بگیرد. به این شکل هنرمندان وظایف اخلاقی متعددی بر عهده خواهند داشت که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره شده است:

۱ـ۱۱. توجه هنرمند به خالقیت حقیقی خداوند در فعل هنری خود

در مبانی اسلامی و آنچه در اصل اخلاقی دوم بیان شد، هنرمند مسلمان می‌داند که خداوند منشأ تمام وجودات، ازجمله افعال و صفات کمالی متجلی در مخلوقات است. آیت‌الله مصباح یزدی معتقدند اگر آدمی افعال خود را از خدا ببیند؛ هدایت، سلامتی و رزق را از خداوند بشمارد، مهم‌ترین گام در جهت توحید را برداشته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴د، ص۲۱۷). این‌گونه هنرمند هر جمال و کمالی را از خود ندانسته و همه را منتسب به خداوند می‌شمارد. بر

این اساس است که در قسمت قابل‌توجهی از دوران تاریخ هنر اسلامی، هنرمندان مسلمان بر خلاف سنت رایج هنری در تمام کشورهای جهان، بر محور تواضع و فروتنی در بارگاه الهی اثر هنری خود را امضا نمی‌کردند تا خودپروری و نفسانیت را از خویش دور نگه دارند و هرچه کمال و زیبایی و جمال است را به خداوند منتسب کنند و یا در صورت امضا از القاب و عناوین حاکی از خاکساری بهره می بردند (رئیسی و همکاران، ۱۴۰۱، ص۱۰۹-۱۲۰).

۲ـ۱۱. هنرمند الگوی اخلاقی جامعه

الگوبخشی از دیگر ابعاد شخصیت هنرمند است که ممکن است بر منش و رفتار مخاطبان تأثیرگذار باشد. از نظر آیت‌الله مصباح یزدی، افرادی نظیر معلمان و اساتید که در جامعه مورد توجه دیگران قرار می‌گیرند باید بکوشند تا الگوی شایسته‌ای برای رفتار فراگیران باشند. چون صدور خطای اخلاقی از الگوها در جامعه به کاهش قدرت تأثیرگذاری ایشان و به تدریج تنزل اخلاقی جامعه منتهی خواهد شد. آیت‌الله مصباح یزدی الگوگیری متربی از رفتار عملی استاد را از ابزارهای تربیتی می‌دانند که به دلیل نقش استاد در ذهن متربی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص۶۲). همین مسئله در مورد هنرمند نیز به دلیل محبوبیت و شهرت وی با قوت بیشتری صدق می‌کند. شهرت شمشیر دو لبه‌ای است که می‌تواند عاملی خطرناک برای محک خوردن اخلاق در هنرمند باشد. با توجه به الگوپذیری برخی اقشار جامعه از هنرمندان در قلمرو پوشش، مسکن و به‌طورکلی شئون مختلف سبک زندگی، التزام اخلاقی وی می‌تواند به بهبود وضعیت اخلاقی در جامعه کمک کند و فاصله گرفتن او از معیارهای اخلاقی پیامدهای اخلاقی نامناسبی را برای جامعه به همراه خواهد داشت. ازاین‌رو التزام هنرمند به اصول اخلاقی و ایفای نقش به‌عنوان الگوی اخلاقی را می‌توان به‌عنوان یکی از وظایف اخلاقی وی برشمرد.

۳ـ۱۱. هنرمند متعهد به اخلاق الهی

آیت‌الله مصباح یزدی با استفاده از مفهوم «هنرمند متعهد» معتقدند فعالیت هنرمند باید حسن فعلی داشته باشد و ازآنجاکه هنرمند واسطه‌ای میان حقیقت و مخاطب است، باید ویژگی‌های اخلاق الهی را در فرایند خلق اثر هنری خود رعایت کند تا زمینهٔ کمال و تعالی فردی و اجتماعی انسان را فراهم سازد. همچنین چون فعل هنری از ضمیر و ذهن هنرمند تراوش و تجلی دارد، باید ضمیر و درون هنرمند نیز که برساخته‌ای از نیت و فعل اوست، متخلق به اخلاق الهی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۰)، یعنی از هنرمندی که خود آلوده با صفات و خلقیات رذیله است، نمی‌توان توقع آفرینش اثری را داشت که صفات برتر الهی را منعکس کند و تجلی آن باشد. در این زمینه حسن فاعلی یا نیت هنرمند در کنار حسن فعلی او، اهمیت دوچندان دارد. آیت‌الله مصباح یزدی در باب حسن فاعلی هنرمند معتقدند: «هنرمند، می‌باید حسن فاعلی داشته باشد؛ به‌این‌معنا که نیتش در کار، رضـای خدا و خدمت به بندگان باشد، نه صرفاً کسب درآمد یا شهرت و موقعیت اجتماعی یا لذت شخصی» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۰). به‌این‌ترتیب است که مفهومی به نام هنرمند متعهد در ادبیات آیت‌الله مصباح یزدی شکل می‌گیرد. همچنین هنرمند

باید برای به کمال رساندن مردم دغدغه داشته باشد. ازآنجاکه هدف هنر، تعالی و رشد مخاطبان به وسیله تجلی صفات و ویژگی‌های الهی است، هنرمند در مقام الگو، راهنمای مردم قرار دارد و نمی‌تواند تنها به سود مادی و شخصی خود یا کسب لذت کوتاه‌مدت دست به خلق اثر هنری بزند (مصباح یزدی، ۱۳۹۷/۱۲/۲۰).

۴ـ۱۱. مخاطب هنرمند، عموم و خصوص جامعه

آیت‌الله مصباح یزدی، هنرمند را در قبال جامعه مسئول می‌دانند و در این رابطه بر این باورند که هنرمند در قبال جامعه و مردم مسئول است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸/۵/۲۱). بنا بر اصل مسئولیت‌پذیری هنرمند نسبت به سرنوشت و تعالی عموم جامعه، نمی‌توان پذیرفت که مخاطب آثار هنری تنها خواص باشند و عموم مردم به حال خود رها شوند. البته یک اثر هنری می‌تواند مانند بزرگ‌ترین اثر هنری اسلامی، یعنی قرآن کریم، دارای درجات زیبایی و تجلی هنری متعدد باشد تا بتواند سطوح مختلف فهم و قریحه افراد را به حرکت درآورد. از سوی دیگر، آیت‌الله مصباح یزدی یکی از ویژگی‌های هنر را زبان عمومی آن می‌دانند که فراتر از زبان‌های معمول می‌تواند پیام‌ها را منتقل کند و به گوش همه مردم برساند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸/۵/۲۱). از همین رهیافت به این نتیجه می‌رسیم که بر اساس نگاه ایشان اثر هنری باید به‌گونه‌ای باشد که تمام اقشار مختلف جامعه، اعم از فقیر و غنی بتوانند از آن بهره‌مند شوند و نه اینکه امکان بهره‌مندی از آثار هنری صرفاً برای اقشار خاصی نظیر ثروتمندان فراهم باشد. این رسالت هنرمند است که هنر خود را برای عموم مردم و به زبان آنها بیان کند.

۵ـ۱۱. وظیفهٔ هنرمند، تربیت شاگردان متعهد به اخلاق اسلامی

از معضلات یک حرکت هنری و اجتماعی این است که نسبت به تداوم و بقای آن فکر و اقدامی نشود. هنرمندانی که خود آثار هنری را خلق کرده‌اند، ولی نسبت به تربیت نیروی هنری متعهد و اخلاقی کم‌توجهی کرده‌اند، درواقع مسیری که خود پیموده‌اند را ناقص و رو به زوال قرار داده‌اند. چه بسیار تفکرات و تحرکاتی که به دلیل عدم توجه به جریان‌سازی درست، نتوانسته‌اند مدت زمان زیادی دوام داشته باشند و به فراموشی سپرده شده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۰).

همان‌گونه که سنت الهی در هدایت انسان، تربیت پیامبران، امامان و اولیاء، در یک سلسله به دنبال هم بوده است تا این چراغ خاموش نشود، باید هنرمند متعهد نیز به این مسئله اهمیت داده و برای آن سرمایه‌گذاری کند. هنرمندان زیادی بوده‌اند که علی‌رغم مهارت بالا در کار خود نتوانسته‌اند دانسته‌ها و یافته‌های خود را به نسل بعدی منتقل کنند و یک عمر تلاش و دانش را با خود به دیار باقی برده‌اند یا مهارت خود را در اختیار کسانی قرار داده‌اند که ملزومات اخلاقی یک هنرمند را نداشته‌اند و مسیر هنر را از اخلاق به بیراهه کشانده‌اند.

در این میان ارتباط با پیشکسوتان متعهد هر عرصه، به‌ویژه عرصهٔ هنر، امری مهم و آموزنده است. پیشکسوت رنج و مشقت و تلاش و ممارست فراوان می‌طلبد. پیشکسوت فراز و فرودهای بسیار پیموده است تا بر ابعاد و

زوایای بسیار هنر خود واقف شود و فولادی آب‌دیده گردد. به‌این‌ترتیب هنرمند خاضع‌تر و فروتن‌تر گشته و از القاب هنری دوری می‌کند. باید این خلقیات حسنه در هنرآموزان نهادینه شود تا از دره‌های غرور و عجب به دور باشند و در این مسیر غیر از رضای حق و سعادت خلق چیز دیگری طلب نکنند.

۱۲. همسویی اخلاق فردی و اخلاق حرفه‌ای هنرمند

همان‌گونه که اشاره شد هنرمند چون آیینه‌ای است که تجلی‌دهنده زیبایی‌های الهی و صفات و ملکات خداوندی برای راهنمایی انسان‌ها است. به این شکل نمی‌تواند فعل فردی و ضمیر هنرمند با آنچه رسالت اوست متفاوت باشد. پس یک هنرمند در ابتدا باید خود متخلق به اخلاق متعالیه باشد تا بتواند از طریق اثر هنری خود دیگران را به روشنایی دعوت کند. هنرمندانی که علی‌رغم داعیه‌داری بر ترویج اخلاق و معنویات، خود در اخلاق فردی التزامی به رعایت آن ندارند، عملاً نمی‌توانند اثری را خلق کنند که در درون مخاطب تأثیری عمیق و ماندگاری را به یادگار بگذارد و تنها در ادعا خود را مروج اخلاق معرفی می‌کنند. حال آنکه در طول تاریخ بشری پیامبران و امامان که اولین معلمان اخلاق بشری بوده‌اند، وارسته‌ترین و متخلق‌ترین افراد جامعه خود بوده‌اند. اگر هنرمندی در رسالت ترویج اخلاق و معنویت نظیر پیامبری با ابزار احساس و خیال‌انگیزی است نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد.

۱۳. احساس مسئولیت هنرمند نسبت به افراد و امت اسلامی و حتی جامعه جهانی

هنرمند متعهدی که برای رشد و تعالی افراد و گروه‌های یک جامعه دغدغه‌مند است، نمی‌تواند در مورد مسائل امت اسلامی بی‌تفاوت باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸/۵/۲۱). بر مدار اخلاق اسلامی، ناله هر مظلومی که در عالم شنیده می‌شود باید توسط مسلمانان آزاده پاسخ درخور دریافت کند. هنرمندی که خود را مشغول به کار خود در گوشه‌ای کرده است و نسبت دیگر انسان‌ها احساس تکلیف و مسئولیت نمی‌کند، از مسیر اخلاق اسلامی دورافتاده است. اخلاق اسلامی انسان را در برابر تمام انسان‌ها و حتی حیوانات و محیط‌زیست مسئول می‌داند و با انزوا و گوشه‌گیری از جامعه میانه‌ای ندارد. همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، آیت‌الله مصباح یزدی شعار هنر برای هنر را مردود شمرده و در مقابل، هنرمند را کاملاً در مقابل سرنوشت و تعالی جامعه مسئول می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸/۵/۲۱).

۱۴. دغدغه‌مندی هنرمند نسبت به رهبری و حاکمیت نظام اسلامی

بر اساس نگاه آیت‌الله مصباح یزدی حفظ نظام اسلامی که ضامن اجرای احکام اسلامی و برقراری امنیت و آرامش مسلمانان است بر هر چیز دیگر اولویت دارد، و از سوی دیگر، آسایش، سلامت و آرامش روانی جامعه و دفاع از منافع عمومی و مصالح همگانی و حراست از نهادهای حکومت اسلامی، در رأس اولویت‌های یک فرد

مسلمان است، پس بر هر هنرمند و نهاد هنری متعهدی لازم است که در این امر بکوشد و از کمک دریغ نورزد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸/۵/۲۱). هنرمند باید همواره نسبت به حاکمیت اسلامی که ضمانتی بر حفظ اصول دینی، اخلاقی و معتقدات مذهبی است دغدغه‌مند باشد. پرواضح است که حفاظت از رهبر جامعهٔ اسلامی با هدف حفاظت از حاکمیت نظام اسلامی و تأمین امنیت مسلمانان جامعه است. به این ترتیب بی‌قیدی و بی‌تفاوتی به مسائل سیاسی و حکومتی اسلام نمی‌تواند از اخلاق هنرمند متعهد باشد.

۱ـ۱۴. رعایت حق مؤلف در آثار هنری

ازآنجاکه ایشان بر این باورند که هنرمند اسلامی باید در جهت کمال انسانی فعالیت کند که همان چارچوب شریعت است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۰). به این ترتیب هنرمند نمی‌تواند با آنچه از مصادیق ظلم و تضییع حق دیگران است، اثر هنری متعهدانه‌ای را خلق کند. بنابراین کارهایی مانند سرقت هنری، مخدوش ساختن متن‌ها، اسناد و آثار هنری همواره مذموم و رفتاری نابهنجار تلقی می‌شود. برای خلق اثر هنری و ایده‌پردازی نباید از شیوه‌های نادرست، غیرشرعی، غیرقانونی و غیراخلاقی استفاده شود. پایبندی به اصول اخلاق اسلامی، به‌ویژه در این خصوص ضروری است.

۲ـ۱۴. پاسبانی از آزادی و استقلال حرفه‌ای

اگر هنرمند از مهارت خود تنها در جهت کسب مال یا شهرت استفاده کند عملاً فعل هنری خود را در قید و بند کسب مادیات درآورده است و به همین شکل، اگر هنر خود را در خدمت منافع افراد یا جریانات غیر الهی دربیاورد، عملاً استقلال خود را تضعیف کرده است. بر اساس آنچه آیت‌الله مصباح یزدی درباره حسن فاعلی اثر هنری در نظر دارند، هنرمند نمی‌تواند استقلال حرفه‌ای خود را برای پول یا شهرت و مقام از دست بدهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۰). همان‌طور که پیش از این اشاره شد، هنرمند باید حافظ منافع جامعهٔ اسلامی باشد. حافظ منافع جامعهٔ اسلامی بودن ایجاب می‌کند که از قبول هرگونه خلق اثر سفارشی که بر خلاف خط‌مشی اخلاق اسلامی است، خودداری کند و اثر هنری خود را وسیله‌ای برای به دست آوردن اموال و القاب نگرداند. استقلال هنرمند زمینه را برای بیان رسا و شجاعانه پیام‌های دینی و اخلاقی فراهم می‌کند و به این صورت، هنرمند از رسالت اصلی خود که هدایت و به کمال رساند افراد و جامعهٔ اسلامی است محروم نمی‌گردد.

نتیجه‌گیری

متن حاضر به جهت مشخص شدن حیطهٔ بحث به تبیین نسبت اخلاق و هنر در سه سطح نظریِ معاصر، فلسفهٔ اسلامی و الگوی هنجاریِ عملی پرداخت. در بخش نخست، با مقایسه دیدگاه‌های جرج دیکی و نوئل کرول نشان داده شد که فلسفهٔ هنر معاصر از تقابل ساده «هنر مستقل از اخلاق» و «اخلاق‌گرایی افراطی» عبور کرده است. دیکی با تفکیک سطوح ارزشی، بر استقلال ارزش هنری از ارزش اخلاقی تأکید می‌کند و تنها نقش غیرمستقیم

اخلاق را، آن هم از مسیر تأثیر بر ویژگی‌های زیبایی‌شناختی می‌پذیرد. در مقابل، کرول با طرح «اخلاق‌گرایی معتدل» نشان می‌دهد که در برخی گونه‌های هنری، به‌ویژه آثار روایی، داوری اخلاقی بخشی درونی از تجربه زیبایی‌شناختی است و نقص اخلاقی می‌تواند مستقیماً به نقص هنری بینجامد.

در گام بعد، دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی را به‌مثابه یک الگوی جامع اخلاقی ـ الهی در باب هنر معرفی و بررسی شد. در این رویکرد، اخلاق و هنر دو قلمرو منفک نیستند، بلکه در ذیل غایت مشترک «کمال حقیقی انسان» به صورت درهم‌تنیده فهم می‌شوند. هنر حاصل تعامل سه عنصر هنرمند، اثر هنری (با دو مؤلفه قالب و محتوا) و مخاطب است و ارزش اخلاقی هنر از بررسی هم‌زمان این سه عنصر به دست می‌آید. هنرمند با توجه به حسن فاعلی و حسن فعلی، اثر هنری با سنجش قالب و محتوا نسبت به مراتب کمال انسانی، و مخاطب با ظرفیت وجودی و نحوه ادراک خود، همگی در قوام اخلاقی اثر نقش دارند. بر اساس این مبنا، هنر صرفاً ابزاری برای لذت حسی نیست، بلکه ظرفیتی عمیق برای تربیت، تزکیه و هدایت انسان دارد. زیبایی از منظر آیت‌الله مصباح یزدی، امری پیوندخورده با کمال است و گرایش فطری انسان به زیبایی می‌تواند او را از مراتب پایین وجودی به سوی مراتب بالاتر و در نهایت به قرب الهی سوق دهد. ازهمین‌رو، غایت نهایی هنر و اخلاق یکی است: رساندن انسان به بالاترین مرتبه کمال و زیبایی حقیقی که مصداق نهایی آن خداوند است.

محور مقایسه	جرج دیکی	نوئل کرول	آیت‌الله مصباح یزدی
جایگاه اخلاق	بیرونی و غیرضروری	درونی در موارد خاص	ذاتی و بنیادین
رابطهٔ اخلاق و هنر	غیرمستقیم	گاه مستقیم	ضروری و غایی
غایت هنر	ارزش هنری درون‌نهادی	تحقق تجربهٔ روایی موفق	کمال اخلاقی - الهی انسان
نقش مخاطب	ناظر نهادی	داور اخلاقی ـ عاطفی	انسان در مسیر تربیت
امکان هنر غیراخلاقی ارزشمند	بله	محدود و مشروط	خیر (به‌طور حقیقی)

در بخش‌های پایانی سعی شد تا با استخراج اصول اخلاقی حاکم بر فعل هنری و وظایف اخلاقی هنرمند، چارچوبی هنجاری و کاربردی در اخلاق حرفه‌ای هنر ارائه شود. مسئولیت‌پذیری هنرمند، قداست فعل هنری، تناسب قالب و محتوا، رعایت مراتب ادراکی انسان، التزام به احکام دینی، تقدم معنویت بر مادیت، و توجه به اقتضائات تربیتی مخاطب، از مهم‌ترین این اصول‌اند. بر این اساس، «هنرمند متعهد» کسی است که اخلاق فردی و حرفه‌ای او همسو باشد، هنر را وسیله‌ای برای خودنمایی یا لذت‌گرایی صرف نداند و در مقام الگو، مربی و واسطه حقیقت، در جهت تعالی فردی و اجتماعی انسان گام بردارد.

این مقاله با بازسازی دیدگاه‌های پراکنده آیت‌الله مصباح یزدی، یک الگوی سه‌سطحی برای اخلاق هنر ارائه می‌کند که در آن اخلاق هنرمند، اخلاق اثر و مسئولیت نسبت به مخاطب در پرتو غایت کمال حقیقی انسان به یکدیگر پیوند می‌خورند.

ماحصل این تلاش نشان می‌دهد که درحالی‌که فلسفهٔ هنر معاصر در پی تبیین حداقلی و تحلیلی نسبت اخلاق و هنر است، دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی الگویی حداکثری، غایت‌محور و الهی ارائه می‌دهد که در آن اخلاق، نه عنصری بیرونی یا تزئینی، بلکه روح حاکم بر هنر و شرط تحقق ارزش حقیقی آن است.

منابع

قرآن کریم.

اتینگهاوزن و دیگران (۱۳۷۴). *تاریخچه زیبایی‌شناسی و نقد هنر*. ترجمهٔ یعقوب آژند. تهران: موسی.

رئیسی، ایمان و همکاران (۱۴۰۱). نخستین نگارگر، نخستین امضاء (رقم) بررسی امضاء (رقم) در نگاره‌های ایرانی، پیش از ظهور جنید سلطانی. *رهپویه هنرهای تجسمی*، ۲ (۵)، ۱۰۹ـ۱۲۰.

قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۷). *درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای*. تهران: سرآمد.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۳). *تعلیقهٔ علی نهایهٔ الحکمهٔ*. قم: سلمان فارسی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶). *معارف قرآن (راه و راهنماشناسی)*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). *به سوی خودسازی*. نگارش کریم سبحانی. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). *آموزش عقاید*. تهران: امیر کبیر.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). *آفتاب ولایت*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). *حقوق و سیاست در قرآن*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *سخنرانی با موضوع ولایت‌فقیه، پرتوی از خورشید امامت، در جمع گروهی از هنرمندان بسیجی*. ۱۳۸۸/۵/۲۱ در: mesbaheyazdi.ir.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). *گفت‌وگو با موضوع «زیبایی‌شناسی و نسبت هنر با دین»*. ۱۳۸۹/۱۲/۱۰، در: mesbaheyazdi.ir.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). *گفت‌وگو با موضوع «فلسفهٔ هنر و زیبایی»*. ۱۳۸۹/۱۱/۱۶، در: mesbaheyazdi.ir.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). *گفت‌وگو با موضوع «زیبایی، هنر و کمال»*. ۱۳۸۹/۱۱/۲۶، در: mesbaheyazdi.ir.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱الف). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ب). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴الف). *فلسفه اخلاق*. تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴د). *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ج). سخنرانی در همایش تعلیم و تربیت ارزش‌ها. ۱۳۹۱/۹/۲۳، در: mesbaheyazdi.ir.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱د). *معارف قرآن (انسان‌شناسی)*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). *سخنرانی در جمع بسیج هنرمندان و انجمن اسلامی هنرمندان*. ۱۳۹۲/۱۰/۲۰، در: mesbaheyazdi.ir.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). *درس با موضوع «رابطه دین و اخلاق»*. ۱۳۹۶/۱۰/۲۰، در: mesbaheyazdi.ir.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷). *سخنرانی با موضوع «رابطه دین و هنر»*. اختتامیه اجلاسیه مسئولان انجمن‌های هنری سازمان بسیج هنرمندان کشور. ۱۳۹۷/۱۲/۲۰، در: mesbaheyazdi.ir.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). *درس با موضوع «اخلاق اجتماعی در اسلام»*. ۱۳۹۸/۳/۱۲، در: mesbaheyazdi.ir.

هیوم، دیوید (۱۳۸۸). *درباب معیار ذوق و تراژدی*. ترجمهٔ علی سلمانی، تهران: فرهنگستان هنر.

Bell, Clive (1914). *Art*. London: Chatto & Windus.

Carroll, N. (1996). "Moderate Moralism." British Journal of Aesthetics, 36(3), 223–238.

Carroll, N. (2001). *Beyond Aesthetics: Philosophical Essays*. Cambridge: Cambridge University Press.

Dickie, G. (2001). *Art and Value*. Oxford: Blackwell.

Wilde, Oscar (1992). *The Picture of Dorian Gray*. Ware: Wordsworth.